

## ویژگی هدفمند جنگ نرم؛ تهاجم بر ساختار فرهنگی

علی اصغر غلامرضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

زندگی انسان‌ها آمیخته با عناصر فرهنگی است و هر ملتی فرهنگ خاص خود را دارد. در دوران‌های گذشته زندگی بشر، عناصر فرهنگی به شیوه‌های مختلف از جمله نقل سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یافت و عمدتاً محدوده به منطقه جغرافیایی مربوط به خود بود، اما در دوران جدید، جوامع مختلف توانایی تبادل عناصر فرهنگی خود را با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف ارتباطی با سایر فرهنگ‌ها به دست آورده‌اند و از این طریق جذب عناصر فرهنگی دیگر جوامع امکان‌پذیر شده است. از این رو در برابر چنین فرآیند نشأت گرفته از خصلت دریافتی انسان، با پدیده‌ای روبه‌رویم که تأمل در آن نشانگر فرآیندی هدفمند است که پدیدآورندگان آن درصددند تا به شکل‌های مختلف، فرهنگ واحدی متناسب با منافع درازمدت خود بر جهان حاکم سازند. در چنین شرایطی نخبگان فرهنگ‌های اصیل و ریشه‌دار در هر جامعه‌ای در تلاش‌اند تا با تقویت عناصر زیربنایی خود و دور نگه‌داشتن جامعه از عناصر فرهنگی نظام سلطه که به صورت تهاجمی، ولی نرم، قصد نفوذ بر ذهن و روان مردم را دارند، با عناصر فرهنگی مهاجم مقابله کرده و از نفوذ آن به لایه‌های مختلف جامعه جلوگیری کنند. وضعیتی که از آن می‌توان به‌عنوان "تهاجم فرهنگی" و "جنگ نرم" یاد کرد. در این مقاله سعی شده تا به دو سؤال اصلی پاسخ داده شود؛ اول اینکه، آیا جنگ نرم، فرآیندی هدفمند است؟ و دوم، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم از چه ویژگی‌هایی برخوردارند و سازوکار تأثیرگذاری جنگ نرم بر ساختار فرهنگی یک جامعه چگونه است؟ موضوع نگران‌کننده امروزه "تهاجم فرهنگی" است که می‌توان آن را در روند رو به گسترش تسلط فرهنگ غرب بر سایر فرهنگ‌ها - به‌ویژه فرهنگ اسلامی - مشاهده کرد. در واقع تهاجم فرهنگی، عمدتاً با ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی و ترویج افکار و اندیشه‌های غربی بین مردم جلوه می‌کند.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، ساختار فرهنگی، تهاجم، فرهنگ‌مادی، فرهنگ معنوی.

## مفهوم فرهنگ و خصوصیات آن

برای فرهنگ تعاریف زیادی شده است، از جمله: "مجموعه پیچیده‌ای که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه، کسب شده است" (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۷). همچنین فرهنگ "مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی، مذهبی، اجتماعی و غیره است که جامعه انسانی معینی را مشخص می‌کند" (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۰۳).

فرهنگ را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند؛ فرهنگ مادی تمامی آنچه راکه عینی و ملموس است دربرمی‌گیرد؛ مانند آثار هنری، ساختمان‌ها، موسیقی و... فرهنگ معنوی نیز عقاید، رسوم، ارزش‌ها، اخلاقیات و... را شامل می‌شود. (روسک ۳، ۱۳۶۹: ۱۰).

برای فرهنگ، خصوصیات مطرح شده است؛ آموختنی و اکتسابی است و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، زنده است و توقف عامل مرگ آن است، با فطرت و سرشت انسان‌ها مرتبط است و هویت‌دهنده است و روابط اجتماعی را مشخص می‌کند، نسبی است، منتقل شدنی و خاص انسان است و مفهومی تجربیدی از مشاهده رفتار انسان‌ها محسوب می‌شود.

همچنین فرهنگ شامل گذر از مرحله‌گریزی به رفتار آموخته است که الگوهای آن می‌تواند از یک شخص یا نسل به شخص یا نسل دیگر منتقل شود (فیاض، ۱۳۷۲: ۳۱-۹).

خصوصیات دیگری نیز برای فرهنگ بیان شده است که نشانگر اهمیت و نقش آن در زندگی اجتماعی است. فرهنگ هر جامعه‌ای از اصالت و هویت خاصی برخوردار است که بیانگر ویژگی‌ها، رفتارها، باورها و بسیاری از اعتقادات مردم، و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و همین تفاوت‌هاست که پویایی فرهنگ را پدید می‌آورد. به همین دلیل، بسیاری از کشورهای استعمارگر به این نتیجه

رسیده‌اند که راه نفوذ در کشورهای دیگر، نفوذ در فرهنگ آنان و استحالهٔ درونی آن است. آن‌ها پذیرفته‌اند پویایی فرهنگ جوامع مانعی مهم برای نفوذ و سلطهٔ آنها در جوامع مختلف است و از این رو باید به‌گونه‌ای عمل کنند که عناصر فرهنگی مورد نظر خود را به شیوه‌هایی ظریف و باورپذیر به مردم دیگر جوامع ارائه دهند و آن را جایگزین فرهنگ آن جوامع کنند. نتیجهٔ چنین سیاستی افزایش نفوذ و درنهایت استحالهٔ فرهنگی آن جوامع است. در واقع آن‌ها ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه می‌دهند تا آن را جایگزین فرهنگ ملت‌ها سازند.

"این وضعیت، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان‌یافتهٔ گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آنها را ترویج معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند؛ اما در فرهنگ ملت‌ها، از این اقدامات با تعابیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است" (خرم، ۱۳۷۸: ۱۵).

صاحب‌نظران، فرهنگ را در دو سطح مادی و معنوی دسته‌بندی کرده‌اند؛ فرهنگ مادی عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است؛ مانند آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی و... فرهنگ معنوی یا غیرمادی نیز شامل عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش‌ها و اندیشه‌ها، اخلاقیات، دانستنی‌ها و... می‌شود (روسک، ۱۳۶۹: ۱۰). فرهنگ مادی معمولاً تحت تأثیر فرهنگ معنوی رشد می‌کند؛ زیرا نوع نگرش به هستی و جهان و ارزش‌های حاکم بر جوامع، در ساخت ابزار جدید برای امور زندگی و رفاه اجتماعی به انسان جهت می‌دهد؛ برای مثال، طرز نگرش، نوع ارتباطات و معاشرت انسان‌ها، آنان را به ساختاری خاص در معماری سوق می‌دهد، و یا نوع نگرش زنان به حقوقشان، آنان را در انتخاب نوع لباس یا رفتار رهنمون می‌سازد (قیصی‌زاده، ۱۳۶۳). از طرف دیگر فرهنگ مادی نیز در فرهنگ معنوی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، وارد شدن و جای گرفتن یک فناوری جدید که در شمار فرهنگ مادی است، بالطبع ارزش‌های جدیدی را با خود به همراه دارد و یا ارزش‌هایی را نیز متزلزل می‌سازد.

## مفهوم تهاجم فرهنگی

### الف) واژه‌شناسی

تهاجم فرهنگی از سه قسمت تشکیل شده است، یکی «تهاجم» به معنای «هجمه» و «غوغا» که به وسیله مهاجم انجام می‌شود. دیگر «فر» به معنای شکوه و جلوه است و سوم «هنگ» به معنای دسته‌جمعی است. (حسینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۸)

### ب) مفهوم اصطلاحی

امروزه تهاجم فرهنگی آن‌گونه که مصطلح شده است تلاش در جهت تخریب چهارچوب ارزشی و مقدسات ایمانی جامعه و سپس ایجاد چالش‌های اخلاقی در میان مردم خصوصاً قشر جوان جامعه است. از این نظر تهاجم فرهنگی حرکتی آرام، پیوسته و خطرناک است که از هر سویی به درون رخنه می‌کند و با ورود خود معیارها را یک‌مرتبه فرو می‌ریزد جای زشتی و زیبایی و خوبی و بدی، ... را به کلی عوض می‌کند و سازگاری، بردباری و ایثار را از میان می‌برد (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۷۴: ۱۷۸).

### تهاجم فرهنگی و مشخصه‌های آن

تهاجم فرهنگی رامی‌توان چنین تعریف کرد: تلاش سلطه‌گرانه جامعه‌ای برای تحمیل فرهنگ خود بر جامعه‌ای دیگر و ایجاد نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه. در این مقاله منظور از تهاجم فرهنگی این است؛ تلاش مستمر غرب برای دور کردن ملت‌ها از فرهنگ‌های اصیل‌شان و جایگزین کردن فرهنگ خود مبتنی بر ابتذال و ترویج فرهنگ لذت‌جویی، مصرف‌گرایی و ترویج اندیشه‌های ناسالم... . امروزه با توجه به رشد فکری مردم جهان، کسب مستعمرات از راه لشکرکشی، به‌آسانی مقدور نیست چراکه هزینه‌های زیادی را بر کشور مهاجم تحمیل می‌کند. به‌همین دلیل سال‌هاست که کشورهای استعمارگر روش تسلط بر کشورها را تغییر داده‌اند. در روش جدید با بهره‌گیری از اقدامات به‌ظاهر انسان‌دوستانه از قبیل

تشکیل انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت و سوادآموزی، رواج فناوری و... زمینه سلطه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورها را فراهم می‌سازند. در واقع، کشورهای سلطه‌گر پذیرفته‌اند که بهترین راه تسلط بر سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. آنان ارزش‌های موردپسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه می‌دهند تا امکان جاسازی آن را در فرهنگ‌های دیگر و البته تهاجم‌گونه فراهم سازند. از این طریق، بدون هیچ دغدغه‌ای به آینده منافع خود در این کشورها مطمئن خواهند بود. بنابر این می‌توان ادعان داشت که جای‌گزینی فرهنگ بیگانه در یک جامعه به شکلی هوشیارانه که مردم راز فرهنگ خود دور و مطیع فرهنگ آنان کند، "تهاجم فرهنگی" است. اتوکلاپین‌برگ، از روان‌شناسان اجتماعی غربی، در این زمینه می‌نویسد:

حتی در جریان پیاده‌کردن برنامه‌های بلندنظرانه و آزادمنشانه، چون کمک به همکاری فنی نیز نگرش استعماری و سایر اشکال استثمار متجلی است؛ مثلاً کشوری که کمک‌های فنی به دیگری ارائه می‌دهد این انتظار را دارد که کشوردریافت‌دارنده کمک، معیارها و الگوهای وی را برگزیند (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

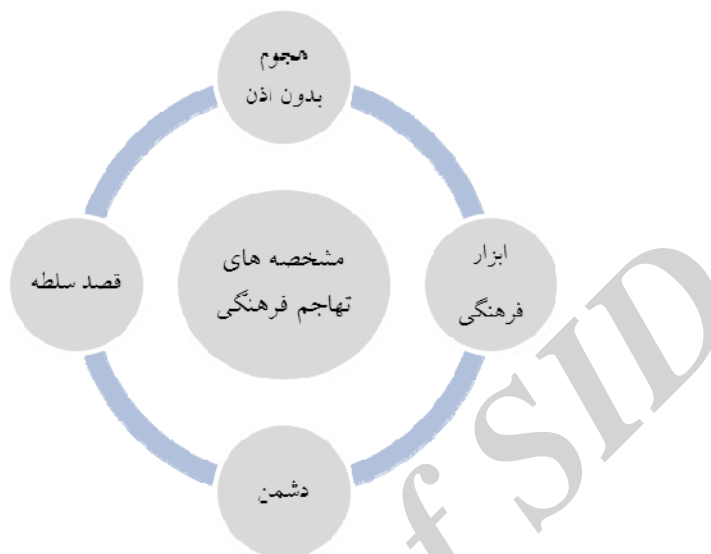
آنچه که به‌عنوان تهاجم فرهنگی از آن یاد می‌شود و بارها از سوی مقام معظم رهبری نیز بر وجود آن صحه گذارده شده و راه‌های مقابله با آن مورد تأکید قرار گرفته، مشخصه‌هایی دارد که نباید از آن غفلت کرد. در بررسی منابع مرتبط با موضوع چهار مشخصه برای تهاجم فرهنگی شاخص‌اند؛

الف) دشمنی با یک جامعه و فرهنگ پویای آن؛

ب) قصد سلطه؛

ج) هجوم بدون اذن و اجازه؛

د) ابزار فرهنگی مهمترین عنصر تهاجم است.



پس باید گفت که مهاجمان فرهنگی، مسائل و مفاهیم مورد نظر خود را به تدریج از طریق وسایل و ابزارهای فرهنگی ترویج می‌کنند. نتیجه چنین رویکردی را در پدیده‌ای به‌عنوان جنگ نرم به خوبی می‌توان شاهد بود. آنچه که به‌عنوان جنگ نرم در سال‌های اخیر بسیار بر آن تأکید شده است، استمرار همان سلطه فرهنگی است که شدت یافته و ابزارها و ساز و کارهای متعددی را از آن خود کرده است.

### جنگ نرم؛ استمرار تهاجم فرهنگی

برخی واژه‌ها نشانگر پارادایمی خاص هستند، مفهومی همچون جنگ نرم از پارادایم منتقد نسبت به رویکرد جدید غرب به دیگر جوامع برآمده است؛ رویکردی که استمرار همان تهاجم به فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات دیگر جوامع است و غرب قصد تخریب آن را با شدتی مضاعف دارد. مفهوم جنگ نرم<sup>۱</sup>، در مقابل جنگ سخت<sup>۲</sup> و فاقد تعریف واحدی است که

1. Soft War
2. Hard War

موردپذیرش همگان باشد.

جنگ نرم را می توان تلاشی دانست از طرف نیروهای سلطه گر برای نابودی، تهی سازی و به ذلت کشاندن فرهنگ، آداب، ارزش ها و هنجارهایی است که جامعه هدف را در طی قرون، از هرگونه گزند محفوظ کرده است. این تلاش نیروهای سلطه عموماً در عرصه های گوناگون فرهنگی اتفاق می افتد و ابزار کاربردی آن تهاجم فرهنگی است که در قالب ابزارهای روانی و رسانه ای عمل می کند.

«جان کالینز» نظریه پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود، می داند.

بنابراین هدف جنگ نرم را می توان تضعیف ثبات و امنیت سیاسی و فرهنگی یک جامعه دانست. در واقع تلاش دشمن برای تسلط کامل در ابعاد گوناگون بر یک جامعه است که این تسلط با زدودن الگوهای رفتاری و هنجارهای ارزشی جامعه مورد تهاجم و جایگزینی الگوها و ارزش های جامعه مهاجم محقق می شود.

برخی، تلاش برنامه ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش های تبلیغی، رسانه ای، سیاسی و روان شناختی برای تأثیر نهادن بر حکومت ها، گروه ها و مردم کشورهای خارجی به منظور تغییر نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای آنان را جنگ نرم می دانند (Fazio, 2007: 17).

ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود جنگ نرم را چنین تعریف کرده است: استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد.

صاحب نظران عرصه بین الملل، چند روش را برای نفوذ یک دولت در جوامع دیگر شناسایی کرده اند که شامل جنگ، عملیات پنهان و براندازی، اقدامات اقتصادی مانند تحریم ها و روابط فرهنگی و نظایر آن می شود (Helvey, 2004).

در این نوع جنگ، کشور مهاجم بدون خونریزی و با طی کردن دوره زمانی آرام و بدون نیاز به نیروهای نظامی بلکه با استفاده از استحاله فکری و فرهنگی یک جامعه، سلطه همه‌جانبه خود را بر آن جامعه تحمیل می‌کند. معروفترین تعریف جنگ‌نرم از سوی جوزف نای، پژوهشگر آمریکایی ارائه شده که آن را به حوزة "قدرت نرم" نسبت می‌دهد. وی قدرت نرم را توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران تعریف می‌کند. بنابراین جنگ‌نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و رسانه‌ای دانست که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون استفاده از زور به انفعال وا می‌دارد.

### جنگ نرم و مشخصه‌های آن

خداوند در قرآن کریم به شیوه‌های گوناگونی که شیاطین در اغوای مردم به کار می‌گیرند، اشاره کرده که از جمله آنها استهزاء، افتراء، تمسخر، تهمت، تکذیب، شایعه‌پراکنی و مانند آن است. در قرآن آمده است که دشمنان از تمامی شیوه‌های غیرهنجاری، غیرعقلانی، و نیز غیراخلاقی برای رسیدن به اهداف خویش بهره می‌برند؛ زیرا از نظر آنها هدف وسیله را توجیه می‌کند. از این روبرو هیچ اصل عقلانی و اخلاقی پایبند نیستند. خداوند در آیه ۲۱ سوره اعراف می‌فرماید که ابلیس برای اینکه به هدف خویش برسد و حضرت آدم(ع) را وسوسه کند به خداوند سوگند خورده است و این‌گونه است که اولین سوگند دروغ به خدا، شکل گرفت (وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ).

پس هیچ عرصه‌ای نیست که شیاطین در آن وارد نشوند و هیچ امری نیست که شیاطین برای رسیدن به هدف پلید خویش از آن بهره نبرند. بنابراین می‌توان اذعان داشت جریان سلطه، یا همان دنیای غرب، برای اشاعه فرهنگ خود از ابزارهای گوناگونی چون رسانه‌ها و مصنوعات فرهنگی بهره می‌جوید. ابزارهایی که در قالب محتوای گوناگون قصد دارند برتری و مطلق‌بودن و جدابیت فرهنگ غربی و ناکارآمد بودن فرهنگ‌های بومی را نشان دهند، و



در نهایت مخاطب را به جایگزین کردن سبک‌ها و شیوه‌های زندگی غربی به جای فرهنگ خودی، دعوت کند. پسباید مشخصه‌های جنگ نرم را که استحالۀ فرهنگی جوامع را با شدتی مضاعف درپیش گرفته است، شناخت و با شگردهای تأثیری آن آشنا شد، چراکه مهمترین راه مقابله با آن شناخت هر چه بهتر این مشخصه‌ها است:

الف) دوره زمانی آرام؛

ب) بهره‌مندی از ابزارهای ارتباطی در سطحی گسترده؛

ج) استحالۀ فرهنگی جوامع موردنظر؛

د) و در نهایت جایگزینی فرهنگی.



با توجه به تعریف ارائه شده از جنگ نرم و مشخصه‌های آن، می‌توان ابزارهای این جنگ را کم‌هزینه دانست اما در عین حال بسیار پیچیده و کاربردی‌تر از جنگ سخت است، چرا که نیاز به تهاجم فیزیکی ندارد، بلکه با تصرف فکر، اندیشه و ارادۀ یک جامعه و نفوذ آرام در لایه‌های فکری آن انجام می‌شود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: جنگ نرم یعنی جنگ به‌وسیله ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله نفوذ، به‌وسیله دروغ و به‌وسیله شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود

دارد. ابزارهای ارتباطی که ۱۰ سال قبل و ۱۵ سال قبل و ۳۰ سال قبل نبود امروز گسترش پیدا کرده است. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم. تأمل در ادبیات جنگ نرم، حداقل، چهار برداشت را در پی دارد؛ اول، تهدید نرم به‌عنوان عملیات روانی دشمن علیه افکار عمومی خودی است؛ دوم، تهدید نرم مساوی با اقدامات پنهان و توطئه‌آمیز دستگاه‌های امنیتی حریف علیه جامعه خودی است؛ سوم، تهدید نرم به‌عنوان هدف قرارگرفتن بنیان‌های ذهنی و اعتقادی سیستم سیاسی خودی از سوی محافل روشنفکری و یا سایر مراجع فکری و مؤسسات فرهنگی و چهارم، تهدید نرم به‌عنوان ناآرامی‌های اجتماعی گسترده با هدف براندازی سیستم سیاسی خودی تلقی می‌گردد (هالیدی، ۱۳۸۲، ۳۵). به هر تقدیر، قصد اصلی عاملان جنگ نرم، تغییر هویت فرهنگی و تخریب الگوی سیاسی جامعه است که با تأثیر نهادن بر باورها و نگرش‌های پایه‌ای در بلند مدت محقق می‌شود.

### ویژگی‌های جنگ نرم

برای درک هر پدیده بهتر است ویژگی‌های آن شناخته شود. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مجموعه مطالبی که در ارتباط با جنگ نرم منتشر کرده، ویژگی‌هایی را برای این موضوع رصد کرده است که با کمی اصلاح ارائه می‌شود:

- **ذهنی بودن آن:** در جنگ نرم برخلاف جنگ‌های فیزیکی، شناخت آرایش دشمن مشکل است، چون کمتر رو و شفاف است و بیشتر ذهن و روان افراد را نشانه گرفته است.

- **تدریجی بودن جنگ نرم:** این جنگ در یک فرآیند تدریجی خزنده و آرام اعمال می‌شود.

- **ابهام‌آمیز بودن:** عاملان جنگ نرم در پوشش دوست به مخاطبان خویش نزدیک می‌شوند. از این رو نه تنها توده‌های مردم، بلکه برخی از نخبگان نیز در تشخیص و شناخت آن باز می‌مانند.

- **پُرشمول و فراگیر بودن:** جنگ نرم بر خلاف جنگ سردبر همه گروه‌های جامعه تأثیر می‌گذارد.

- غلبه بُعد فرهنگی جنگ نرم بر سایر ابعاد: گرچه جنگ نرم همه ابعاد یک نظام به ویژه سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی بُعد فرهنگی آن برجسته‌تر از سایر ابعاد است و با دگرگونی هویت فرهنگی، نظام سیاسی ناکارآمد شده و زمینه‌های فروپاشی آن فراهم می‌شود.

- تأثیرات عمیق: اثرهای جنگ نرم برخلاف جنگ سخت که در مواردی محدود، بر جامعه اثر می‌گذارد، به ویژه در بُعد فرهنگی می‌تواند همیشگی باشد، چرا که موجب تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و شخصیت افراد می‌شود.

- پیچیدگی جنگ نرم: جنگ نرم چندلایه و چندوجهی است. این جنگ لایه‌های شناختی، عاطفی، هیجانی، اجتماعی، معنوی، روانی و حتی جسمانی مخاطبان را آماج قرار می‌دهد. جنگ نرم محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه‌گیری آن نیز مشکل است. در حالی که جنگ سخت محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها اندازه‌گیری کرد.

- بین‌رشته‌ای بودن: در جنگ نرم از یافته‌های علوم گوناگون مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، مردم‌شناسی فرهنگی، علوم سیاسی و علوم دیگر استفاده می‌شود.

- شمول گسترده بازیگران: جنگ نرم دارای بازیگران گوناگونی است که هر یک ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف را مورد تهدید قرار می‌دهد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲)

در جنگ نرم، تبدیل ساختن جامعه به کارگزاران نظام بحران‌سازی از طریق ایجاد تنش‌های داخلی، بالابردن سطح انتظارات جامعه و تخصیص بودجه لازم برای گسترش رادیوهای موج کوتاه، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و خبرگزاری‌های اینترنتی مخالف نظام، از راهبردهای غرب در دیپلماسی تهاجمی علیه ایران است.

هدف غرب و به‌خصوص آمریکا از بروز جنگ نرم، وادارکردن کارگزاران نظام به امتیازدهی در عرصه‌های سیاسی - امنیتی و تضعیف انسجام فکری، عدم پایبندی کارگزاران نظام و ایجاد شکاف میان سطوح جامعه و حاکمیت می‌باشد (آشنا، ۱۳۸۴).

با توجه به آنچه که بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که مهمترین ویژگی جنگ نرم، تهاجم بر ساختار فرهنگی جامعه هدف است چرا که اگر ساختار فرهنگی یک جامعه که متشکل از مؤلفه‌های ارزشی، اعتقادی و سنتی جامعه است دچار آسیب شود، به راحتی می‌توان بر آن جامعه چیره شد و خواسته‌های خود را بر آن تحمیل کرد.

لازم به تأکید است که جنگ نرم، نبرد در حوزه اراده‌ها، افکار و ارزش‌هاست که در پرتو آن، دشمن تلاش دارد تا پایه‌ها و ستون‌های ارزشی و اعتقادی را که شالوده فکری، رفتاری و ساختاری فردی، گروهی و همگانی را تشکیل می‌دهند، به تسخیر درآورده و به نفع خود دگرگون و یا دست‌کاری کند. به عبارتی این جنگ، یک جنگ خاموش، تخریبی، زیربنایی، همه‌جانبه، عمیق و اثرگذار است که نیروی انسانی جامعه هدف را به کارگزاران و مجریان سامانه فرماندهی نبرد دشمن، تبدیل می‌کند.

### سازوکار تأثیرگذاری؛ هویت‌زدایی از فرهنگ و باورهای اسلامی - ایرانی

مردم ایران دارای هویتی برگرفته از فرهنگ اسلامی - ایرانی هستند و این هویت، ضمن پایدارسازی حیات و بقای جامعه، امکان عرضه پیام‌های اسلامی و ملی را به محیط بین‌المللی فراهم می‌سازد. در واقع، ویژگی‌های هویتی، مرکز ثقل قدرت نرم کشور را تشکیل می‌دهند. غرب که در صدد جهانی‌سازی ارزش‌های هویتی و فرهنگی خود است، با جنگ نرم، به ابعاد قدرت نرم کشور هجوم برده و از همه مهمتر تلاش می‌کند که اسلام را به عنوان عنصر حیاتی این هویت جمعی و نقطه تمرکز قدرت نرم کشور، از دایره باور، رفتار و ساختار جامعه ایرانی حذف یا تضعیف کند.

در این خصوص، القای نامناسب بودن اسلام به عنوان فرهنگ زندگی نسل‌های امروز، یا تلاش برای تحجرنمایی آموزه‌های فرهنگی دینی (نظیر مخالفت اسلام با پیشرفت، فناوری، تجدد و...) و همچنین استحاله و تغییر الگوها و سنن زندگی ایرانی - اسلامی و ترویج سبک زندگی غربی برای جایگزین‌سازی با فرهنگ بومی، از جمله

دستور کارهای دشمن است.

در این مورد، آنچه هدف اصلی است، نظام فرهنگی و پشتیبان‌های آن است که پیروی از آموزه‌های دینی را بالاترین ویژگی خود می‌شمارند و آن را با هیچ نکته دیگری قابل تعویض نمی‌دانند. اما آنچه مورد هجوم ظاهری قرار می‌گیرد، خود اسلام است و تلاش می‌شود که نخست مسئله‌سازی و مشکل‌سازی برای نظام صورت بگیرد و سپس مسئله و مشکل کشور به اسلام نسبت داده شود. گویی که علت همه ناکارآمدی‌ها در مدیریت وضعیت کشور، ناشی از مبنا و ملاک بودن اسلام در سبک مدیریت و اداره کشور است. (عامری، ۱۳۹۲)

بنابراین برای تأثیر تهدیدات نرم، تغییر الگوی زندگی جامعه و گرایش دادن افراد به سبک زندگی ایده‌آل جریان سلطه که در حال حاضر بر پایه سکولاریسم و مصرف‌گرایی بنا نهاده شده است، از اولویت‌های جنگ‌نرم در حوزه فرهنگ محسوب می‌شود به طوری که امروزه در قالب‌های گوناگون، اهتمام به ترویج سبک زندگی غربی و تخطئه فرهنگی قابل مشاهده است. تغییر الگویی که به‌طور خزنده و پنهان، قصد انهدام از درون را در جامعه، و سوق دادن به سوی سبک زندگی غربی، دنبال می‌کند.

اهمیت این مسئله در آنجاست که تأثیرات این تغییر در سبک زندگی، با توجه به ویژگی زیرساختی حوزه فرهنگ، در نهایت بر روی فرهنگ جامعه خواهد بود که این‌گونه و به‌طور آرام و ملایم، قطعه‌ای از پازل دشمن در جنگ نرم تکمیل می‌شود.

جریان سلطه، و به عبارت دیگر دنیای غرب، برای اشاعه فرهنگ خود، هویت‌زدایی از فرهنگ، باورها و ارزش‌ها را از طریق ابزارهای گوناگونی چون مصنوعات فرهنگی (سینما، فیلم، تلویزیون، کتاب و...) به‌طور غیرمستقیم مورد استفاده قرار می‌دهد؛ ابزارهایی که برتری، مطلق بودن و جذابیت فرهنگ غربی و ناکارآمد بودن فرهنگ‌های بومی را به رخمی‌کشد و افراد جامعه هدف را دعوت به جایگزین کردن سبک‌ها و شیوه‌های زندگی غربی، به جای اشکال سنتی، می‌کند.

از این رو بر ماست که با بررسی ابزارها و محتوای برنامه‌هایی که جریان سلطه برای استحاله فرهنگی تهیه و تولید می‌کند، در شناخت هر چه بیشتر زوایای این تهاجم خرنده، کوشا باشیم.

## جمع‌بندی

جنگ‌نرم دشمن، همه‌جانبه و در ابعاد و عرصه‌های مختلف هدف‌گذاری شده است. راهبردهای جنگ‌نرم در برخی سطوح و لایه‌ها، پیامدهای مختلفی داشته و در برخی موارد ناکام بوده است. بر مبنای این مطالعه، مشخص شد که جهانی‌سازی فرهنگ و ارزش‌های غربی، مرکز ثقل راهبردهای کلان نظام سلطه در جنگ‌نرم علیه دیگر ملل است. با توجه به اینکه چنین هدفی برای دشمن به‌راحتی قابل وصول نیست، تعقیب هدف مذکور در فرایندی تدریجی قرار گرفته است.

در واقع استحاله فرهنگی برای تأثیرگذاری شدید بر افکار عمومی جامعه هدف، با ابزارهای مختلف انجام می‌شود و از روش‌های اصلی در جنگ‌نرم است که نباید از آن غفلت کرد. به یک معنی دیگر، از طریق استحاله فرهنگی و دستکاری کردن متغیرهای فرهنگی جامعه، نفوذ به اذهان و تغییر باورها و ارزش‌های آن امکان‌پذیر می‌شود تا از این طریق غرب، نظام سلطه خود را بر جهان استمرار بخشد. بنابراین باید پذیرفت که جنگ‌نرم فرآیندی هدفمند است که سازوکار اصلی آن نیز استحاله از درون است تا جامعه هدف در خود احساس ناتوانی و بی‌ارزشی کند.

اما چه باید کرد که تا با به‌کارگیری سازوکارهای مختلف، از اعمال تهدیدات نرم پیشگیری کرده و یا دامنه اثرات فرهنگی آن را کاهش داد.

برای مقابله با جنگ‌نرم، نخست باید ویژگی‌های این نوع جنگ را تحلیل کرده و خوب شناخت و نیز اینکه باید بیش از گذشته امپراطوری رسانه‌ای غرب را شناخت و افکار عمومی را نسبت به دروغ‌پردازی آن‌ها آگاه کرد.

این دو مهم، فقط با تقویت رسانه‌های خودی و تلاش برای بین‌المللی کردن این رسانه‌ها، میسر است. هر ملتی و کشوری دارای منابع قدرت نرم است که شناسایی و تقویت و سازماندهی آن‌ها می‌تواند براساس یک طرح جامع تبدیل به یک فرصت، و هجوم به دشمنان طراح جنگ‌نرم شود. به‌عنوان مثال، منابع قدرت نرم در ایران را می‌توانیم «ایدئولوژی اسلامی»، «قدرت نفوذ رهبری»، «حماسه‌آفرینی‌ها» و «درجه بالای وفاداری ملت به حکومت» برشمریم.

## منابع

- قرآن کریم.
- آشنا، حسام‌الدین، (۱۳۸۴). «دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی»، کتاب امریکا ۶، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- استریناتی، دومینیک، (۱۳۸۰). نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو.
- داوری اردکانی، رضا، (۱۳۷۹). تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی درباره غرب، تهران: هرمس.
- عامری، داود، فراتحلیلی از راهبردهای دشمن در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی به آدرس؛ <http://www.sccr.ir>
- روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
- روسک، جوزف، و رولندوارن، (۱۳۶۹). مقدمه جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین.
- قیصی‌زاده، یونس، (۱۳۶۳). سخنی درباره فرهنگ، اطلاعات علمی، ۱۶، آبان.
- فیاض، محمدسعید، (۱۳۷۲). درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، مرکز مطالعات اسلامی، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خرم، مسعود، (۱۳۷۸). هویت، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
- حسینی اصفهانی، مرتضی، (۱۳۸۲). راههای تهاجم فرهنگی و مبارزه با آن، نشر: فرهنگ قرآن، قم.
- لطفی‌کاشانی، فرح؛ وزیری، شهرام، (۱۳۷۴). بررسی نقش خودشناسی ملی

در بازاریابی یا زمینه‌سازی قبول تهاجم فرهنگی. مجموعه مقالات سمینار عوامل روانی و اجتماعی تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- هالیدی، فرد، (۱۳۷۲). **تکوین دومین جنگ سرد جهانی**، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: نشر آگاه.  
مرکز اسناد انقلاب اسلامی به آدرس:

- <http://www.irdc.ir>

- Helvey, Robert, (2004), **On Strategic Non-violent Conflict: Thinking about the Fundamentals**, Boston: The Albert Einstein Institution.

- Fazio, R, (2007), **Social Changes and Population**, The Journal of Social science, No19.

Archive of SID